گروکشی انتخاباتی دیپلماسی

جاوید قربان‌اوغلی
کارشناس سیاست خارجی

این روزها، شاهد طرح شعارهای پر طمطراق و رنگارنگی از سوی نامزدهای تایید صلاحیت شده انتخابات پیش روی ریاست‌جمهوری، در حوزه سیاست خارجی هستیم. اغراق‌آمیز نیست اگر گفته شود اکثریت قریب به اتفاق هشت کاندیدا، سیاست خارجی دولت هشت‌ساله احمدی‌نژاد را به چالش می‌کشند، انتقادات تندی بر آن وارد می‌کنند و از توانمندی خود برای عبور از بحرانی که حاصل و دستاورد دولت اصولگرای احمدی‌نژاد است سخن‌ها می‌گویند. طرفه آنکه برخی از این هشت نفر تا چندی قبل نزدیکی معناداری با دولت برخاسته از طیف اصولگرایان داشته و از «سیاست خارجی استکبارستیز» دولت نهم و ایستادگی جانانه احمدی‌نژاد «در برابر باج‌خواهی قدرت‌های قلدر جهان» به ویژه در مورد سیاست هسته‌ای کشورمان، تعریف و تمجید کرده و دولت قبلی را به‌دلیل «وادادگی در مقابل دشمنان قسم‌خورده انقلاب» مورد شماتت قرار می‌دادند. بعید است بداخلاقی‌ها، تعابیر و اتهامات ناروا و گاهی غیراخلاقی به دولتمردان قبلی که از سال ۱۳۸۴ تاکنون به ادبیات رایج سیاسی کشورمان تبدیل شده، از یاد و خاطر ملت بزرگ ایران زدوده شود. اما اکنون وقت انتخابات است و زمانی است که باید نامزدها برای جلب افکار عمومی و گرفتن رای از مردم، اندکی از حجم آن بداخلاقی‌ها، کاسته و بالاجبار برخی از واقعیت‌ها را ولو بر سبیل مصلحت، علیه زعمای جبهه خودی برزبان آورند. به تعبیر دیگر همان کسانی که تا دیروز حامی سرسخت «سیاست تهاجمی» دولت اصولگرا و به زعم آنان مکتبی بودند، امروز در قامت نامزد ریاست‌جمهوری به منتقدان همان سیاست‌های به اصطلاح تهاجمی، تبدیل شده‌اند. طرفه آنکه منتقدان دیروز سیاست‌های «تعامل با جهان» اصلاح‌طلبان، امروز همان ادبیات تعامل‌گرا را به عاریت گرفته و از حل مشکلات سیاست خارجی چنان سخن می‌گویند که اگر شنونده از سوابق آنان اطلاع نداشته باشد نمی‌تواند ادبیات این «اصولگرایان به اقتضای شرایط اصلاح شده» را از زبان تعاملی اصلاح‌طلبان، تمییز و تشخیص دهد. به تعبیر صحیح‌تر کاندیداهای اصولگرا، برنامه‌های اصلاح‌طلبان در حوزه روابط خارجی را به زبانی دیگر شعار انتخاباتی خود کرده‌اند.

به گزاره‌های ذیل که مشتی از خروار وعده‌های انتخاباتی است که از سوی کاندیداهای اصولگرا در روزهای اخیر مطرح شده توجه کنید:

علی‌اکبر ولایتی:

- اگر هسته‌ای باشیم و قطعنامه نگیریم، هنر است.
- دلیلی ندارد با همه دنیا بد باشیم.
- باید تنش‌زدایی با همسایگان از اولویت‌های درجه یک سیاست خارجی ایران باشد.
- باید روابط خارجی را از انجماد و رکود، خارج کرده و تجدید بنا کنیم.
- استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و حفظ آن به معنای ایجاد تنش با سایر کشورها نیست.

محمدباقر قالیباف:

- درخصوص تحریم‌ها، سخنان جنجالی ولی کم‌فایده و رفتارهای شعاری و نمایشی به ما ضربه زد و موضع بر حق ما را تضعیف کرد.

طرح: حسن کریم‌زاده

- زمانی می‌گفتند تحریم‌ها کاغذپاره‌اند و اکنون می‌گویند فلج‌کننده‌اند و عامل همه مشکلات.
- نظام در مرحله‌ای تصمیم گرفت که تعلیق داوطلبانه را بپذیرد تا صداقت طرف مقابل، سنجیده شود.
- تقابل با آمریکا، به خودی خود، ارزش نیست. الان چه تعدادی از کشورهای دنیا را مثال بزنیم که سفارت آمریکا در آنجا هست، روابط رسمی با آمریکا هم برقرار است و تبادلات اقتصادی هم دارند. آیا آن ملت‌ها بدبخت هستند؟

محسن رضایی:

- از هلوکاست حرفی نخواهم زد.
- چرا کشور چین تحریم نمی‌شود؟
- روابط خارجی ایران طی چند سال اخیر آسیب‌های جدی دیده است.
- روابطمان با کشورهای عربی وضعیت مناسبی داشت که آسیب جدی دیده است و ما می‌خواهیم آن را احیا کنیم.

اگر مواضع دیگر کاندیداهای طیف اصولگرا را نیز به این فهرست اضافه کنیم مثنوی ۷۰ من کاغذ خواهد شد که از حوصله این مختصر خارج است. اما افزودن عباراتی از منوچهر متکی، وزیر خارجه معزول احمدی‌نژاد و کاندیدای ردصلاحیت شده انتخابات را بر این فهرست، خالی از لطف نمی‌دانم تا آقای وزیر (سابق) بداند با همدلی و همراهی رییس سابقش چه بر سر روابط خارجی کشور آورد. متکی در میتینگ‌های انتخاباتی خود به دلیل سوابقش در سیاست خارجی بخش مهمی از تبلیغات انتخابی خود را به این موضوع اختصاص داد. به نظرم حرف‌های متکی حاوی اعترافات جالبی درباره سیاست خارجی دولت اصول‌گرای احمدی‌نژاد است. گزاره‌های زیر را با دقت بخوانید:

- سیاست خارجی بچه‌بازی نیست.
- در بحث انرژی هسته‌ای، مطالبات هردو دولت اصلاحات و اصولگرا به نوعی یک چیز بود ولی رویکرد دولت هشتم (دولت سیدمحمد خاتمی) رسیدن به حقوق هسته‌ای با متد صحبت و مذاکره با غرب و راه‌دادن به نظارت غربی‌ها بود که منجر به تعلیق دو ساله نطنز و اصفهان شد.
- اینکه باید در سیاست خارجی از ادبیات فاخر و دیپلماتیک استفاده کنیم، حرف سنجیده و درستی است، گاهی دیده شده که برخی با به‌کاربردن ادبیات غیردیپلماتیک برای کشور هزینه ایجاد کرده‌اند.
- ما باید به جای اینکه ادعای مدیریت جهان را داشته باشیم، خردمندانه به دنبال استفاده از تجربیات جهانی باشیم، همان‌گونه که دیگران نیز می‌توانند از تجربیات ما بهره ببرند. اما سوال اساسی که در ورای این تبلیغات انتخاباتی خود را مطرح می‌کند این است که چقدر می‌توان به اصالت این نقدها به سیاست خارجی احمدی‌نژاد از سوی کاندیداهای همان طیف اعتماد کرد. آیا اینگونه اظهارات شعارگونه انتخاباتی، زمینه واقعی برای تبدیل‌شدن به «راهبردی واقع‌گرایانه» در دولت یازدهم دارد؟ به بیان دیگر نفی جنبه‌های گوناگون روابط خارجی دولت اصولگرای احمدی‌نژاد از سوی متحدان سابقش را می‌توان نقطه عزیمتی به عقلانیت در این حوزه تعبیر کرد؟ اگرچه نمی‌توان و نباید با بدبینی به این سوال پاسخ منفی داد و لاجرم از هر تغییری در سیاست ماجراجویانه و مخرب دولت فعلی استقبال کرد، ولی باید توجه داشت که:
- طبیعت فضای انتخاباتی در ایران به دلیل فقدان احزاب سیاسی شناسنامه‌دار، معمولا فضایی آمیخته با شعارهای بی‌پشتوانه‌ای است که لزوما ضمانت اجرایی نداشته و در حد بیانیه‌هایی فصلی است.
- کسانی که امروز در قالب کاندیدای ریاست‌جمهوری به انتقاد صریح از گذشته برخاسته‌اند، در سنوات گذشته در جایگاه‌های کلیدی این حوزه نقش و در مواردی مسوولیت مهم داشته و لاجرم نمی‌توانند خود را از سیاست‌های مخرب خارجی مبرا دانند. این مسوولیت‌ها و پست‌ها در عمل، امکان تاثیرگذاری بر فرایند سیاست خارجی را برای این افراد فراهم می‌کند. طراحان این انتقادهای صریح به سیاست‌خارجی احمدی‌نژاد در هشت‌سال گذشته کجا بودند و چرا هیچ اقدامی برای اصلاح آن و قراردادن ریل‌های روابط خارجی کشور در مسیری که الان از آن سخن می‌گویند انجام ندادند. چگونه می‌توان به این افراد که با قرارگرفتن در موقعیت کاندیداتوری در مدتی کوتاه، چرخشی ۱۸۰درجه‌ای در مواضع سیاسی خود ایجاد می‌کنند، اطمینان کرد؟
- نکته آخر اینکه مقوله سیاست‌خارجی از جنس مقولات ملی است که نباید دستخوش سوژه‌های انتخاباتی قرار گرفته و تبدیل به ابزار کسب رای شود. اگر ملاک ما قانون اساسی و تصمیمات کلان نظام است، در همین قانون وظایف هر پستی به وضوح مشخص شده است. قانون اساسی «سند وفاق ملی» است و در آن مسوولیت سیاست‌های کلان نظام به عهده رهبری است. بنابراین تغییر دولت‌ها را نمی‌توان بهانه‌ای قرار داد برای تغییر رویکردهای راهبردی نظام به‌ویژه در حوزه روابط خارجی که از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده و نیازمند ثبات، استمرار و اطمینان‌دادن به جهان است. به بیان صحیح‌تر سیاست خارجی موضوعی نیست که به محلی برای گروکشی سیاسی تبدیل شود. چنین وضعی اعتماد به تصمیمات و راهبردهای نظام در عرصه بین‌المللی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.

ادامه از صفحه ۷

انتخابات یازدهم و سیاست خارجی

اما این فقط یک نگاه اتوکشیده آکادمیک است. سیاست خارجی برای افکارعمومی در ایران در دهه ۷۰ معمولا از نشان‌دادن ماشین‌های اسکورت هیات‌های دیپلماتیک از تلویزیون، دست‌دادن‌های جلوی دوربین و ژست‌های دیپلماتیک فراتر نمی‌رفت. اما چندی است این جنبه نه‌چندان جذاب برای افکار عمومی جامعه ما، وجهه پراهمیتی پیدا کرده و کمابیش پیگیری سیاست خارجی به بخشی از برنامه‌ریزی‌های پرنوسان این روزها تبدیل شده است. بالا و بالاتررفتن قیمت کالا و بعضی خدمات، به‌وجودآمدن محدودیت‌ها برای شهروندان و دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در خارج از کشور (به‌ویژه محدودیت انتقال پول و افتتاح حساب)، نحوه برخوردهای فرودگاهی و گاه سختگیری‌های صدور ویزا، کم‌شدن توان اقتصادی سفرهای زیارتی و غیر زیارتی به‌ویژه درماه‌های منتهی به انتخابات خرداد ۹۲ باعث شده است تا بازیگر جدیدی به محاسبات اقتصادی زندگی روزمره شهروندان ایرانی وارد شود: نتیجه مذاکرات بین‌المللی وتحریم‌ها. بدون شک آنان پرونده هسته‌ای و موضع‌گیری نامزدها و برنامه‌هایی که احتمالا مذاکرات را با روند کنونی ادامه دهد یا آن را وارد فاز جدیدی کند، نتیجه بسیاری از این نوسانات را در زندگی روزمره مردم روشن و به احتمالی یکسره خواهد کرد. شهروندان ایرانی از این به بعد همانند شهروندان بعضی کشورها - مثلا ایالات متحده را آمریکا- با نگاه و حساسیت‌های کم‌سابقه‌ای برنامه‌های نامزدها برای چگونگی هدایت سیاست خارجی، رابطه ایران با همسایگانش، با غرب و به‌ویژه با ایالات متحده را دنبال‌خواهند کرد. مراودات بین‌المللی از جمله سرفصل‌هایی است که در میان حجم تبلیغات نامزدها توجه بسیاری را به‌خود جلب خواهد کرد. جهت‌گیری و توان نامزدها در عرصه دیپلماسی، می‌رود که بخشی از اقبال افکارعمومی به برنامه‌های انتخاباتی یک نامزد شود. برنامه‌هایی که بتواند در زندگی روزمره نگرانی حاصل از نوسان‌های مدام و گیج‌کننده ماه‌های اخیر را مهار کند. از این جنبه انتخابات خرداد ۱۳۹۲ یکی از کم‌سابقه‌ترین رقابت‌هایی است که افکار عمومی نه با تکیه بر شعارهای سیاست داخلی که براساس سیاست‌های فرامرزی نامزدها، به شناسایی آنان با بررسی سابقه سیاسی‌شان اقدام می‌کنند. سیاست خارجی اگر تا پیش از این بحث محافل کارشناسی و تخصصی و بخش نمایشی - تبلیغاتی از مناظره نامزدها برای نشان‌دادن شناخت‌شان از دنیا به یکدیگر بود، تبدیل به فاکتور تعیین‌کننده حمایت یا عدم حمایت از یک نامزد خواهد شد.

روزنه

کاندیداها و پرونده هسته‌ای

صادق زیباکلام
استاد علوم‌سیاسی دانشگاه تهران

شاید اولین سوالی که پیش‌روی هر کاندیدای ریاست‌جمهوری باشد راه‌حل او برای برون‌رفت از مشکلات جاری کشور به‌خصوص مشکلات موجود در سیاست خارجی است.

پیش از هرچیز باید به روند جاری در کشور نظری افکند و اینکه قرار است این رویه ادامه یابد یا تغییر کند؟ سوال مهم در این زمینه این است که آیا دولت اصولگرایان در هشت‌سال گذشته در سیاست خارجی موفق عمل کرده است؟ به نظر من در یک ارزیابی کلی اگر بخواهیم به دیپلماسی اصولگرایان در هشت‌سال گذشته نمره بدهیم نمی‌توانیم نمره بالایی بدهیم. برعکس من معتقدم استراتژی کلی‌ای که اصولگرایان در هشت‌سال گذشته در سیاست خارجی در پیش گرفته‌اند بیش از آنکه در راستای منافع ملی کشور باشد، در راستای شعارها و رویکردهای تبلیغاتی بوده و حاصل این رویکرد شعاری و تبلیغاتی، و استراتژی معطوف به آن هم آفاتی داشته است.

وقتی به سیاست خارجی دولت‌های پس از جنگ توجه کنیم، می‌بینیم که در دولت‌های آقایان هاشمی و خاتمی، سیاست خارجی کشور تحت عنوان تنش‌زدایی تعریف شد. یعنی در این دولت‌ها تلاش شد که ارتباط ایران با کشورها و قدرت‌هایی که بغض و کینه نهادینه‌شده و تاریخی نسبت به جمهوری اسلامی نداشتند به نحوی رفتار شود که این قدرت‌ها در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار نگیرند. منظور من از این قدرت‌ها، کشورهای اتحادیه اروپا از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا، بلژیک، اتریش و کشورهای آسیایی نظیر ژاپن، هند و... است.

اما اصولگرایان از سال ۸۴ که قدرت را در دست گرفتند، رویکردی تهاجمی در دیپلماسی و سیاست خارجی به کار گرفتند و حاصل آن سیاست، این شد که کشورهایی که ذکر آنها رفت نیز در کنار آمریکا قرار گرفتند. شما وقتی امروز به وضعیت ایران در جامعه جهانی نگاه کنید، می‌بینید که کشورهای اروپایی یا کشورهایی مثل کانادا، استرالیا و... نیز در کنار آمریکا قرار گرفتند و به همان جدیت که آمریکا علیه ایران تحریم اعمال می‌کند آنها نیز در مخالفت با جمهوری اسلامی ایران فعال هستند. در مقاطع پایانی کار دولت می‌بینیم حتی کشورهایی مثل برزیل و آرژانتین هم که تاحدی تا همین سال‌های پیش با ایران همراهی نشان می‌دادند، اینک در کنار آمریکا قرار گرفته‌اند. در عوض دولت به سراغ کشورهای ذره‌ای و حاشیه‌ای در جامعه جهانی رفت. ولی سوال جدی که مطرح می‌شود این است که واقعا دوستی و مودت چنین کشورها، چه سود و فایده‌ای برای منافع جمهوری اسلامی ایران دارد؟ این کشورها عموما با مشکلات اقتصادی شدید دست به گریبان هستند و در جامعه جهانی نیز اعتبار زیادی ندارند.

بنابراین با توجه به انتخاباتی که در پیش است، به نظر من تغییر در این نگاه استراتژیکی که اصولگرایان ظرف هشت‌سال گذشته در سیاست خارجی دنبال کرده‌اند، یکی از ضروریات است. یعنی تغییر در رویکرد دیپلماتیک ایران یکی از مهم‌ترین مسایلی است که باید رخ دهد.

در میان مسایل مبتلا به سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به نظر می‌رسد در حال حاضر پرونده هسته‌ای ایران از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. هرکسی که امروز خود را در معرض انتخاب مردم قرار می‌دهد باید رویکرد خود را در مساله هسته‌ای ایران اعلام کند. به هر حال امروز و در اثر سیاست‌های دولت نهم و دهم، پرونده هسته‌ای ما در شورای امنیت سازمان ملل مطرح است و تحریم‌های گسترده و سنگینی علیه ایران اعمال شده است. مذاکرات ایران با گروه ۱+۵ نیز طی سال‌های گذشته چندان پیشرفت نداشته است. بنابراین مهم‌ترین مساله پیش‌روی رییس‌جمهور آینده همین مساله هسته‌ای، مذاکرات ایران و جامعه جهانی در این مورد و به تبع آن، بحث تحریم‌هاست.

اتفاقا انتخابات، زمان مناسبی است که مهم‌ترین مسایل کشور در جامعه مطرح شود و نخبگان کشور و کاندیداهای ریاست‌جمهوری در مورد این مسایل در رسانه‌ها نظرات خود را بیان کنند و مردم بر اساس این بحث‌ها و اظهار نظرهای آزادانه رویکرد درست را انتخاب کنند.

نباید فراموش کرد که بحث هسته‌ای ایران در زمان اصلاح‌طلبان آغاز شد. یعنی از اوایل دهه ۸۰ که سازمان منافقین اسنادی را در مورد برنامه هسته‌ای ایران منتشر کردند و پرونده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شکل گرفت تاکنون این پرونده در سطح بین‌المللی مطرح بوده است و دولت اصلاحات و دولت اصولگرایان رویکردهای متفاوتی را در قبال آن اتخاذ کرده‌اند.

سیاستی که اصلاح‌طلبان در پیش گرفتند اگرچه سیاست پرزرق و برقی و پرهیاهویی نبود اما سیاستی بود که کمترین هزینه و خسارت را به منافع ملی وارد می‌کرد. این سیاست را می‌توان «سیاست کج‌دارومریز» نامید. به این معنا که در زمان دولت آقای خاتمی و با ریاست آقای روحانی بر تیم مذاکره‌کننده ایران، ما برنامه هسته‌ای را پیش می‌بردیم اما با سیاست کج‌دارومریز. حاصل این سیاست این می‌شد که نه پرونده ایران از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل رفت و نه تحریم‌ها به صورت گسترده و سنگین کنونی علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال شد و کار هسته‌ای نیز هرچند با سرعت کمتری به پیش می‌رفت. اما آقای احمدی‌نژاد آن سیاست را کنار گذاشت و روش دیگری برگزید که باعث صدور قطعنامه‌هایی علیه ما شد.

بنابراین، دیگر هر کسی که می‌خواهد عنان اداره کشور را در دست بگیرد، باید برای برداشتن تحریم‌ها از سر کشور چاره‌ای بیندیشد. در اینجا این سوال پیش می‌آید که چرا کشورهای غربی کمر به تحریم ایران بسته‌اند؟ آیا مثلا اروپا با ایران خصومتی دارد که نفت ایران یا بانک‌های ایرانی را تحریم کرده است؟ آیا می‌توان در این سیاست‌ها تغییری ایجاد کرد یا نه؟

یعنی شاید این ایام و در مباحث انتخاباتی جای طرح این سوال باشد که برنامه هسته‌ای را چگونه باید مدیریت کرد.

فکر می‌کنم که طرح این سوال با توجه به وضعیت کنونی کشور به‌خصوص تهدیدهایی که هر روز از سوی غرب صورت می‌گیرد و تحریم‌ها و آثار آن چندان بیجا نباشد.

باید به این نکته توجه داشت که ما در نهایت از انرژی هسته‌ای فقط به‌عنوان یک مساله اقتصادی قرار است استفاده کنیم. چراکه ما همانطور که بارها اعلام کرده‌ایم بر اساس فتوای مقام‌معظم‌رهبری تولید سلاح‌های هسته‌ای را حرام می‌دانیم و نمی‌خواهیم بمب اتمی بسازیم لذا هدف ما از برنامه غنی‌سازی اورانیوم تولید سوخت برای نیروگاه‌های هسته‌ای است؛ چه نیروگاه بوشهر که هنوز تکمیل و راه‌اندازی نشده و چه نیروگاه‌های دیگر که قرار است در سال‌های آینده ساخته شود. متاسفانه آقای احمدی‌نژاد در هشت‌سال گذشته تلاش کرد که موضوع منطقی و عقلانی مثل برنامه هسته‌ای ایران را با شعارها و رویکردهای تبلیغاتی خود تبدیل به یک موضوع احساسی کند. بنابراین دیپلماسی عقلانی هسته‌ای زیر سایه شعارها و مسایل سیاسی قرار گرفت. با این حال، همانند تمام دنیا انتخابات، عرصه طرح و بحث موضوعات مهم هر کشور است و بحث سیاست خارجی به‌خصوص رویکرد به پرونده هسته‌ای یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی است که امروز باید بین نخبگان و در سطح جامعه مطرح شود تا درست‌ترین رویکرد توسط دولت آینده اتخاذ شود.

منبع: دیپلماسی ایرانی

«ترمیم» داخلی برای مقابله با تحریم خارجی

ادامه از صفحه ۸

بین کاندیداهای موجود، تفاوت دیدگاهی در عرصه سیاست خارجی دیده می‌شود؟ مثلا بین آقای حسن روحانی و آقای سعید جلیلی با دو تجربه متفاوت از دبیری شورایعالی امنیت ملی؟

بله، برخی از کاندیداها در راستای اصلاح‌طلبی حرکت می‌کنند. در گذشته هم سعی کرده‌اند مسایل و مشکلات را با نوعی واقع‌نگری نسبی حل‌وفصل کنند و تلاش کردند که پرونده هسته‌ای به شورای امنیت ارجاع نشود و در آن زمان هم این اتفاق رخ نداد. البته ممکن است پشتوانه نسبی بخشی از اصلاح‌طلبان را داشته باشند. برخی ممکن است از لحاظ اقتصادی، مدیریت کارآیی داشته باشند که مسوولیتی در این حوزه داشته‌اند، اما برخی دیگر به دلیل ارتباط‌هایی که داشتند بیشتر یک نگاه ارزشی یا شبه‌ارزشی دارند یا اگر چنین نگاهی نداشته باشند، به‌خاطر حفظ جایگاه و موقعیت خودشان سعی نمی‌کنند یک اظهارنظر مستقلانه بکنند. در هر حال دو نفر کاندیدای اصلاح‌طلب در این انتخابات وجود دارد.

پس شما معتقدید دولت آینده باید تکلیف خود را با کشورهای بزرگ جهان معلوم کند و یک سیاست مشخص در پیش گیرد؟

ضمن اینکه منظورم قدرت‌های بزرگ که عضو گروه ۱+۵ هستند کشور ذی‌نفع و ذی‌مدخل -به هر دلیلی- در منطقه خلیج‌فارس، یعنی آمریکاست. بیشتر نظرم متوجه آمریکاست. در این زمینه حتی ویتنام، چین، روسیه نیز هیچ‌کدام علاقه‌ای به این ارتباط ندارند. اما واقعیت‌ها را درک کرده‌اند و در تصمیم‌گیری‌های نهایی همسو با آن قدرت هستند اما در اظهارنظرهای جدا، استفاده ابزاری می‌کنند و امتیاز می‌گیرند. این نکته را باید مدنظر داشته باشیم که مذاکره به معنای تسلیم نیست، بلکه مذاکره می‌تواند بر اساس مصالح متقابل باشد و به‌علاوه باید به این نکته توجه داشت کسانی که پیشنهاد مذاکره دوجانبه را مطرح می‌کنند استفاده بهینه در آن جهت را هم مدنظر دارند. فرض کنید مردم آمریکا که با مشکلات و پیامدهای تلخ جنگ افغانستان و عراق روبه‌رو بودند به‌هیچ‌وجه مایل نیستند که آمریکا وارد یک استراتژی سخت‌افزاری شود. ولی وقتی که پیشنهاد مذاکره دوجانبه مطرح می‌شود و پی‌درپی پیشنهادها رد می‌شود، شاید طرف ردکننده پیشنهاد این را به‌عنوان نوعی غرور بداند که پیشنهاد طرف را رد کرده و آن کشور تحقیر شده، اما آن طرف مذاکره از این رد پیشنهاد، افکار عمومی خاص خود را - که البته مایل به اتخاذ یک استراتژی سخت‌افزاری نیستند- به این ترتیب به نفع خود بسیج کند و حمایت دسته‌جمعی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای را هم به نفع خود احراز کند. کشورهای منطقه، بارها از آمریکا خواسته‌اند که به یک استراتژی سخت‌افزاری علیه ایران متوسل شود و آمریکا هم با توجه به تجارب تلخش، نیک می‌داند که هر اقدامی که منفردا بکند و با همکاری کشورهای دیگر نباشد، آسیب‌زاست. اگر با دید هوشمندانه موضوع را بررسی کنیم، صرف پیشنهاد گفت‌وگوی دوجانبه و پذیرش آن، ولو اینکه به نتیجه نرسد هم، درصورتی‌که در آینده به استراتژی سخت‌افزاری منجر شود حس تحقیرشدگی او را بی‌رنگ و خنثی می‌کند. در این مسایل نباید یک‌طرفه قضاوت کرد و باید ابعاد متفاوت هر پیشنهاد را مدنظر قرار داد.

پس می‌توان نتیجه گرفت موضوع تحریم‌ها و پرونده هسته‌ای می‌تواند در ذیل ترمیم رابطه با کشورهای بزرگ بگنجد و اگر این مشکل رفع شود می‌توان برای تحریم و فعالیت هسته‌ای هم راه‌حل‌های مسالمت‌آمیزی پیدا کنیم؟

دقیقا. این مسایل در عرصه‌های مختلف وجود دارد. وقتی یک موضوع حل شد تاثیر مثبتی روی عرصه‌های دیگر می‌گذارد. وقتی کشوری از لحاظ داخلی یک سلسله اعمال را انجام می‌دهد، برخی عرصه‌های دیگر مورد ادعا را خنثی می‌کند. بنابراین می‌توان با انتخاب خط‌مشی‌های داخلی درست، برخی عرصه‌های بین‌المللی مورد اتهام را بی‌رنگ کرد. به همین دلیل، ارتباط تنگاتنگی بین جریان‌های داخلی و سیاست خارجی وجود دارد. خود ما هستیم که می‌توانیم عرصه‌هایی که در آنها با مشکل روبه‌رو هستیم را با خط‌مشی‌های درست داخلی تا حدودی تعدیل کنیم و تغییر دهیم.

جدول ۱۷۱۷

افقی:

۱ - آسودگی خیال - حلال نیست - گل بتونه ۲ - دریغا - محفل گفت‌وگو - جای عشق انجاست ۳ - از سیارات - روز عرب - برنا ۴ - دریا - از روی ناچاری - اندوه ۵ - نام ستاره‌ای در صورت مراه السلسه - سرگردان - امتزاج آب با جسمی ۶ - سمبل - شهرک زراعی قزوین - خورشید عالمتاب ۷ - سنگ ترازو - بلند پایه - رودی در فرانسه ۸ - کیسه - سدی در استان آذربایجان شرقی ۹ - نصفه هر چیز - دارای تلاطم - وقت و هنگام ۱۰ - قبیله عرب جاهلیت - سود بردن - بیباک ۱۱ - بعید به نظر می‌آید - نام معروف‌ترین تراژدی یونان - رنگ ۱۲ - فراخ - مولف ایران باستان - چوب خوشبو ۱۳ - باریک بین - باریک‌تر از... - عابد مسیحی ۱۴ - وزیدن - نادانی - شهری درفرانسه ۱۵ - صدای بیماری سینه - صاحب -بی‌حوصله

عمودی:

۱ - شیطان - جود و بخشش - دارو ۲ -پیمودن - ماموت بی‌انتها! - رنگین کمان ۳ - با اهمیت - گیاه چتردار - پرستیدن ۴ - قدرت و توان - نماد نابجا! - از حروف مقطعه قرآن ۵ - حاصل - پی‌درپی - یازده ۶ - نانوا - کشور گلها - صندلی راحتی ۷ - رمق آخر - جانور تک سلولی - گوشت آذری - فلس ماهی ۸ - سدی در استان مرکزی - اداره آتش نشانی ۹ - شیرینی عزا - شهر فراری - والده - پول قدرتمند آسیا ۱۰ - اهلی - نام جد پیامبر (ص) - آفتابی و طبی آن وجود دارد ۱۱ - حرف نازی‌ها - الهه دانش روم باستان - هدیه ۱۲ -چابک - جمع فن - اکنون ۱۳ - واحدی برای پارچه به اندازه یک دست لباس - جانی - چیز ۱۴ - اثری از « آنتوان چخوف » نویسنده روسی - امپراطور دیوانه روم باستان - مایه حیات ۱۵ - شیر - نام دیگر بالنگ -اتحادیه کارگری

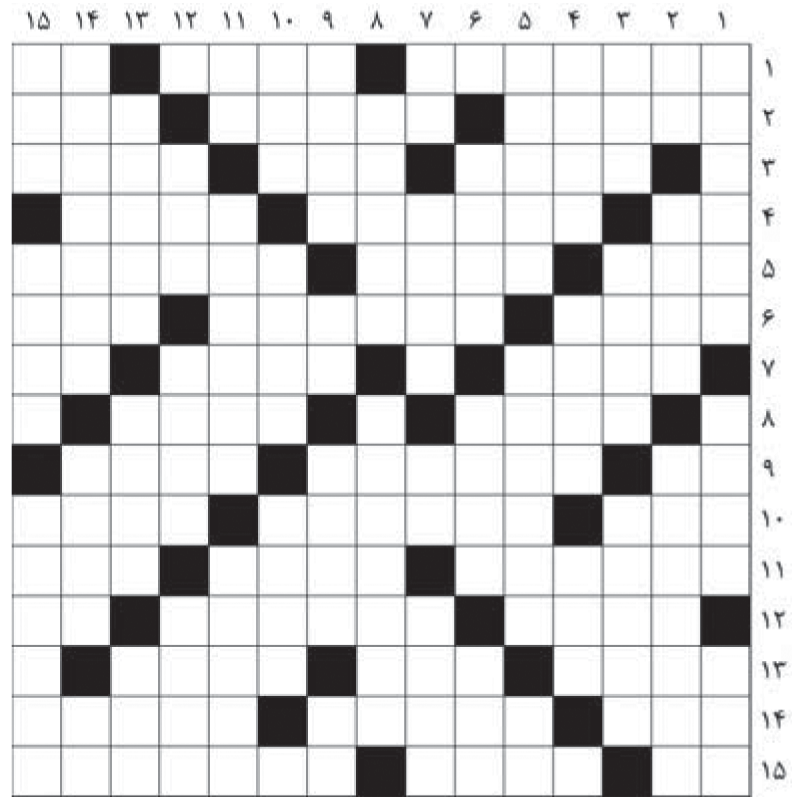

جدول ۱۷۱۶

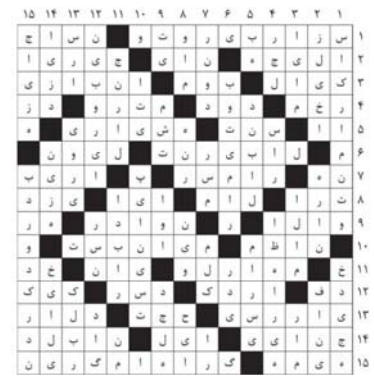

سودوکو سخت ۳۶۹

۳		۱		۹	۷			
	۷					۵	۸	
		۸	۴	۱				۳
۸		۲	۶		۹			
۵	۹						۴	
			۲	۷				
۴			۵			۳		
		۵			۸		۱	۶
		۶		۳			۲	

حل سودوکو سخت

۳	۶	۴	۱	۲	۹	۷	۵	۸
۷	۱	۹	۴	۸	۳	۲	۶	۵
۵	۸	۲	۶	۷	۱	۹	۴	۳
۱	۴	۷	۹	۸	۲	۵	۳	۶
۶	۳	۵	۷	۱	۴	۸	۲	۹
۸	۲	۹	۵	۶	۳	۴	۷	۱
۴	۹	۸	۲	۳	۵	۶	۱	۷
۲	۵	۶	۳	۴	۸	۱	۹	۲
۹	۷	۳	۶	۵	۲	۴	۸	۱

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۷۲۰

	۸	۱	۴	۳			۹	۷
	۷	۶	۲		۹			
				۶	۱	۲	۸	
	۱		۸	۹			۲	۴
۳	۲			۵				۹
		۷		۴		۱		
		۸	۹	۷			۳	
	۴	۳	۵		۸			
	۵	۲	۶			۷		

حل سودوکو ۷۱۹

۴	۷	۹	۵	۳	۶	۱	۸	۲
۳	۱	۸	۲	۴	۹	۶	۵	۷
۶	۲	۵	۷	۸	۱	۳	۴	۹
۹	۶	۲	۸	۵	۴	۷	۱	۳
۷	۸	۱	۳	۶	۲	۴	۹	۵
۵	۴	۳	۱	۹	۷	۸	۲	۶
۱	۹	۶	۴	۲	۳	۵	۷	۸
۸	۳	۴	۹	۷	۵	۲	۶	۱
۲	۵	۷	۶	۱	۸	۹	۳	۴